



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

خاکستری در خزر



کیا کیامهر

عضو انجمن قومی نویسندگان و روزنامه‌نگاران آمریکای شمالی

این تنها جمله‌ای است که از مرگ شاهپور علی‌رضا در خاطر می‌ماند
«خاکستر کالبدم را در دریای خزر بپاشید»

اگر در زیستن امکان ارسال پیامی نیست، می‌توان آن را با مرگ جاودانه کرد. ریشه پیام علی‌رضا پهلوی در عشق جاودانه رضاشاه به میهن باز می‌گردد و یا به تبعید او توسط انگلیس. آنان می‌دانستند که برای شکنجه رضاشاه لازم نیست او را به شلاق امثال شیخ فضل‌الله و خمینی و خامنه‌ای تعزیر کنند. باید او را از میهن دور می‌کردند. همچنانکه پسرش محمدرضا شاه را نیز به جرم میهن‌پرستی تبعید کردند تا با این اندوه بزرگ کمتر از دو سال تاب نیاورد. او نیز در وصیت‌نامه تاریخی‌اش خطاب به ایرانیان چنین نوشت «فقط به ایران بیندیشید» بی‌آنکه بخواهم مرگ علی‌رضا را سوگوارانه و به سنت رایج در ایران عزادارانه از نوع هیچ آدم زنده خوب و هیچ آدم مرده بد یافت نمی‌شود به تصویر کشم و برای علی‌رضا که دانش آموخته ایرانشناسی در هاروارد بود قلمفرسایی کنم، بهتر است تا به ابعاد سیاسی این حادثه غمبار و تأثیر احتمالی آن بر آینده سرزمینمان بپردازم.

ولی پیش از ورود به این بحث به واکاوی دو حادثه خواهیم پرداخت تا پی ببریم مرگ این جوان دانش آموخته هاروارد دارای چه پیام و پتانسیلی است.

19 دیماه 1356 نامه‌ای به امضاء رشیدی مطلق که بسیاری آن را به داریوش همایون وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی دوران پهلوی منتسب می‌کنند منتشر گردید. نامه‌ای که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید و سرآغاز انقلاب اسلامی در ایران گشت.



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

در این نامه از شجره خمینی و همچنین ابعاد پوچ و توطئه‌گر او پرده برداشته شد. اعتراضاتی در قم و تبریز شکل گرفت و به سرعت به همه شهرها و روستاهای ایران تسری یافت بسیاری چاپ آن را به پای توطئه سرویس‌های غربی دانستند و داریوش همایون البته نظرات دلگیری دارد. ولی نتیجه انتشار این نامه و واکنش مردم ایران نسبت به آن موجب ایجاد اتحادی در بین اپوزیسیون ضدپهلوی در خارج و داخل گشت و گروه‌هایی که سال‌ها نتوانسته بودند بر سر یک استراتژی توافق نمایند با چاپ این نامه و تأثیر نقش خمینی در برانگیختن توده‌ها در استراتژی و هم در تاکتیک متحد شدند. شاید تا پیش از این واقعه گروه‌های ضد رژیم پهلوی که اکثراً دارای گرایش‌های چپ و مارکسیستی بودند هرگز تصور نمی‌کردند که از ابزار مذهب می‌توان اینچنین توده‌ها را بسیج کرد و در یک هدف واحد آنان را به دور محوری جمع نمود.

آنان با دیدن این انفجار و تأثیر خمینی و مذهب بر توده‌ها از خواسته‌های صنفی و سیاسی خود حتا به طور موقت دست برداشتند و تمام توان و تجربیات تشکیلاتی خود را در اختیار خمینی گذاشتند تا به هدف مهمشان یعنی سرنگونی رژیم پهلوی دست یابند. ولی در کنار تأثیر گذاری نقش مذهب و برانگیخته شدن احساسات مردم در واکنش به ناله رشیدی مطلق می‌باید به عنصر زمان و شرایط نیز توجه کرد. در غیر اینصورت نخواهیم توانست تحلیل جامعی ارائه دهیم.

بدین معنا که اگر خمینی دارای چنین نفوذ و قابلیت بود در سال 42 که در اوج قدرت بود و هنوز در ایران حضور داشت و صراحتاً به قوانین انقلاب سفید مخصوصاً در بندهای مربوط به آزادی زنان، اصلاحات ارضی و انجمن‌های ولایتی و ایالتی تاخته بود و باعث اعتراضاتی در قم و ورامین و بخش‌های جنوبی تهران گردیده بود می‌بایست چنین تحولی را بوجود آورد ولی شاهدیم که آن شورش با کمترین هزینه تنها به پایان رسید بلکه نامه‌های شریعتمداری و برخی از مراجع توانست جان وی را نجات دهد و اگر برسمیت شناختن خمینی به عنوان مرجع تقلید توسط مراجع آن دوران نبود حتا با اعدام خمینی نیز تحولی ایجاد نمی‌شد. ولی شرایط سال 56 آنقدر آماده بود که چاپ یک نامه توهین‌آمیز در یک نشریه توانست آن موج را ایجاد کند که محصول آنرا در سی د دو سال گذشته و تأثیرات مخری آنرا بر اقتصاد، فرهنگ و دیگر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایران شاهدیم.

در چهاردهم فوریه 2005 رفیق حریری در لبنان ترور شد. او یک سرمایه‌دار ناسیونالیست لبنانی بود و در میان مردم لبنان محبوبیت زیادی داشت. رفیق حریری از مخالفین سرسخت حضور نیروهای سوریه در لبنان بود و احتمالاً نیروهایی که وی را ترور کردند می‌پنداشتند که با مرگ او دیگر مقاومتی در برابر حضور پر تعداد این نیروها شکل نخواهد گرفت. ترور رفیق حریری نه تنها این نیاز سوری‌ها را



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

برآورده نکرد بلکه با مرگ وی یک اتحاد بزرگ ملی در مقابل سوریه شکل گرفت اتحادی که به دلیل حضور پر قدرت نظامی و امنیتی سوری‌ها در لبنان هرگز امکان‌پذیر نبود. پیامد این ترور خروج نیروهای سوری از لبنان و شکل‌گیری فضای جدیدی از ملی‌گرایی در این کشور شد.

تا پیش از این حادثه هیچ نیرویی در لبنان توان مقابله با انبوه نظامیان و کادرهای امنیتی سوری که در همه ارکان سیاسی - نظامی - امنیتی لبنان رخنه کرده بود را در خود نمی‌دید.

ولی قتل رفیق حریری باعث آنچنان موج ملی‌گرایی و ضد سوری گشت که کمتر تحلیل‌گری می‌توانست آن را پیش‌بینی نماید. مرگ شاهپور علی‌رضا پهلوی در نیمه‌های یک شب زمستانی دارای پیامی مهم و سرنوشت‌ساز برای ایرانیان و آن دسته از اپوزیسیون است که حضور رژیم اسلامی چه از نوع اصولگرا و اصلاح طلب آن را برای ملت ایران فاجعه می‌دانند. در هیچ برهه‌ای از تاریخ سی و دو ساله حضور این رژیم موضوعی نتوانسته بود اینچنین موجی را در میان ایرانیان داخل و خارج ایجاد نماید. گزارش‌های ارسالی از سوی خبرگزاری‌ها حاکیست که این اتفاق موجی از اندوه را در سراسر ایران ایجاد کرده است. چندین خبرگزاری مهم آمریکایی و اروپایی آن را در نوبت‌های مهمی ایراد کردند. رادیو فردا که یکی از مهمترین خبرگزاری‌های فارسی زبان است 6 روز تیتراهای مهم خود را به این خبر و حواشی آن اختصاص داد.

تلویزیون‌های آمریکا و حتی کانادایی نیز در نوبت‌های مختلف این حادثه را پوشش دادند. صفحات فیس بوک در خارج و داخل ایران (علیرغم جو شدید امنیتی) لبریز از پیام‌های تسلیت و همدردی بود. صدها هزار پیام به همدردی در سراسر جهان بین ایرانیان مخابره شد. بعضی از تحلیل‌ها حاکیست که چون علی‌رضا پهلوی فارغ از فعالیت‌های سیاسی بود و در اتفاقات پیش از انقلاب نقشی نداشت اینچنین احساسات را برانگیخته بود. ولی این تحلیل به دلیل عدم واکنش ایرانیان در مواجهه با مرگ شاهدخت لیلی پهلوی رنگ می‌بازد. اتفاقاً انتخاب رشته ایران‌شناسی در دانشگاه‌های معتبر آمریکا نشان می‌داد که شاهپور علی‌رضا به صورت بالقوه عنصری سیاسی و میهن‌دوست بود. ولی در هنگامه مرگ لیلیا پهلوی دختر جوانی که در یکی از هتل‌های انگلیس تسلیم مرگ شد بسیار تأثیربرانگیزتر بود ولی نه تنها موجی ایجاد نشد بلکه بعضی از گروه‌های سیاسی نسبت به آن واکنش منفی نشان دادند و تلاش کردند از آن بهره‌برداری منفی کنند. خودکشی شاهپور علی‌رضا نشان داد که در این فاصله 10 ساله از زمان مرگ لیلیا تا خودکشی علی‌رضا شرایط و نگاه‌ها به شدت تغییر کرده است. این واکنش می‌تواند سرآغاز فصل نوینی در تاریخ ایران باشد.



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

اگر اپوزیسیون واقع‌بینی را جایگزین عناد و دگماتیسم نماید پی خواهد برد که پتانسیل بسیار قوی در شخصیت شاهزاده رضا پهلوی برای انسجام و اتحاد ملی وجود دارد و از این نیروی مهم بیشترین بهره را خواهد جست.

در آخر ذکر این نکته بسیار مهم است که شاهزاده رضا پهلوی بدلیل مواضع دموکراتیک خود و اعلام هدفش که فقط به آزادی ایران می‌اندیشد و ادعایی بر تخت و تاج از دست رفته‌اش ندارد مورد انتقاد بسیاری از طرفداران نظام پادشاهی قرار گرفته است .